

بایسته ها و شایسته های نقش و جایگاه نظامیان در ایران قدیم

۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۵ ساعت ۲۳:۱۰

ملاحظه کلی برخی از آثار نشان می دهد که اهمیت مساله ارتش و نیروهای مسلح و موضوع دفاع از تمامیت ارضی ملت‌ها و تامین و حفظ جان و مال ملت‌ها تا بدانجا بوده است که برخی از اندیشمندان و سخنوران به منظور نشان دادن اهمیت موضوع ، باب مستقلی در نوشته های خود باز می کردند و برخی هم توصیه و سفارشهای مربوط به نیروهای مسلح و لشگریان را از جمله نکات قابل توجه پادشاهان و امیران و حاکمان وقت می دانسته اند.

جوان و تاریخ- مقالات

الف) مقدمه

از آنجائیکه شرایط و وضعیت زندگی در گذشته با شرایط کنونی متفاوت بوده و طبیعتاً جنگ و نزاع و درگیری و نحوه تقابل آنها نیز به طور کلی فرق می کرده است. بدون شک بخشی از واقعیتهای زندگی در هر مقطع زمانی در ابعاد مختلف در ادبیات، اشعار و عرف و آداب و رسوم آن دوره انعکاس یافته است و ازاینرو برای فهم بهتر تفاوت‌های عصر حاضر با دوران گذشته، مرور اجمالی دیدگاه کلی ادیبان و سخن سنجان ادب پارسی ، خالی از لطف و فایده نیست. ملاحظه کلی برخی از آثار نشان می دهد که اهمیت مساله ارتش و نیروهای مسلح و موضوع دفاع از تمامیت ارضی ملت‌ها و تامین و حفظ جان و مال ملت‌ها تا بدانجا بوده است که برخی از اندیشمندان و سخنوران به منظور نشان دادن اهمیت موضوع ، باب مستقلی در نوشته های خود باز می کردند و برخی هم توصیه و سفارشهای مربوط به نیروهای مسلح و لشگریان را از جمله نکات قابل توجه پادشاهان و امیران و حاکمان وقت می دانسته اند که در فرصتهای مختلف نسبت به بیان آنها اهتمام ویژه ای مبذول می داشتند. از خلال طرح این مباحث آگاهی ها و اطلاعات ارزشمندی نسبت به چگونگی زیست و گذران امور نظامیان و لشگریان و نحوه برخورد با آنان از سوی دست اندرکاران مربوط به دست می آید که در نوع خود بسیار جالب و ارزشمند است. از میان آثار تاریخی که می توان دراین زمینه به آنها استناد و رجوع کرد به عنوان مثال می توان از این کتابها نام برد. تاریخ بیهقی ، تاریخ بیهق، تاریخ جهانگشای جوینی، تاریخ گزیده حمدالله مستوفی ، تاریخ حبیب السیر، راحه الصدور راوندی و کتابهایی از دست که شمار آنها کم نیست. در این میان متون ادب فارسی صرف نظر از جنبه های زیبا شناختی نکته ، توصیه ها و مطالب بسیار مفید و جالبی در این زمینه دربردارد که در این مجال سعی خواهیم کرد به استناد با اشعار گنجینه حماسی حکیم فردوسی یعنی شاهنامه وضعیت نظامیان و وظایف فرماندهان در ارتباط با این قشر را مورد بررسی قرار دهیم.

ب) شاهنامه فردوسی و تبیین وضعیت نیروهای نظامی در ایران قدیم

یکی از ویژگیها و تفاوت‌های عمده گذشته با عصر حاضر، که باید به آن اشاره شود این است که در گذشته به رغم جنگهای فراوانی که اتفاق می افتاد و عمدتاً هم این نبردها بر نیروی انسانی متکی بود و ابزار و ادوات جنگی پیشرفته مانند امروز وجود نداشت که جایگاه و نقش نیروی انسانی را بگیرد. در گذشته نیز معمولاً مانند امروزه نیروی نظامی رسمی کمتر وجود داشت. مردم به کار و زندگی روزمره خود مشغول بودند و هنگامی که جنگی اتفاق می افتاد یا دشمنی حمله می کرد و به نیروی رزمنده نیاز بود به یکباره دست از کار و زندگی معمول خود می کشیدند و به عنوان نیروی جنگی به میدانهای نبرد گسیل می شدند. البته لازم به ذکر است که در هر دوره ای نیروهای نظامی و لشگری وجود داشته ولی تعداد آن نیاز جنگهای آن دوره را به هیچ وجه برآورده نمی ساخت. گرچه فرماندهان و امیرانی بودند که همواره کارشان حضور در میان نبرد یا اشتغال به نظامیگری و جنگ بود؛ به همین دلیل کمتر در دوره های گذشته در داخل و یا خارج از شهر پادگان به معنای امروزی وجود داشت که محل استقرار دائمی نیروهای نظامی و لشگری باشد. در برخی موارد هم از چنین مراکزی استفاده می شد که البته به وسعت و امکاناتی که در دوره معاصر می شود نبوده است.^[۱]

در کتابهای مختلف و آثار داستانی مشهور مانند هزار و یک شب یا سمک عیار که از آثار داستانی متأثر از پیش از اسلام است یا آثاری همانند فرج بعد الشده یا کتابهای تاریخی معمولاً از سرداران و امیران و فرماندهان نظامی یاد می شود که اگر جنگی در کار بود نیروهایی به تعداد در اختیار داشتند اما اگر جنگ و ستیزی در کار نبود اینان شغل و وظیفه مشخصی نداشتند و برای اینکه در این میان هزینه ای را صرف نکنند چه بسا نیروها را مرخص می کردند و به کمترین تعداد برای بهره برداریهای انتظامی یا نظم و نسق شهرها و مسائلی از این قبیل بسنده می کردند؛ تا به این شکل بتوانند از صرف هزینه زیاد جلوگیری نمایند. افراد هم در این مابین مجبور بودند به دنبال کسب و کاری بروند تا بتوانند از آن طریق امرار معاش نمایند. در این دوره همچنین نقش مردم عادی در روند رویدادهای روزمره انکارناپذیر است. همه جنگیانی که در راه مجد و عظمت ایران زمین جان باخته اند، حتی سپهسالارن و سرداران و پهلوانان از انبوه شهرنشینان، روستانشینان و عشیره نشینان این سرزمینند. هر چند فردوسی حماسه افتخار پیروزهای رزمی را به نام شاهان و سپهسالاران و پهلوانان نوشته است این همه از بنه، حاصل رنج و شکنج این گمنامان است. جنگیان ایران همه مردمانی فرمان پذیر، میهن دوست و از خود گذشته بودند.^[۲] تا موقعی که صلح عمومی در جهان برقرار نگردیده باشد برای هر کشوری به لشگری نیرومند نیاز است و آن لشگری که علاقه زیادی به میهن و وطن خود داشته باشد. در چه صورت میتوان چنین لشگری نیرومند و علاقمند به وجود آورد؟ زمانی که فرمانده عدالت اجتماعی را بین همگان به وجود آورد و جیره و مستمری آنان را به موقع پرداخت نماید و هرکس را نسبت به عقل و درایت پایه و مقامی دهد. فردوسی در اینباره می نویسد:

سپه را به هنگام، روزی دهیم خردمند را دلفروزی دهیم

چون سربازان وسیله امن و آرامش هستند باید به وظایف خود آشنایی کافی داشته باشند و به آن عمل کنند وگرنه نظام لشگری و

امیرالمومنین علی (ع) نیز چنین خط مشی الهی را در نهج البلاغه خود این گونه رقم زد است: «ولاتدفعن صلحا دعاك اليه عدوك لله فيه رضی فان فی الصلح دعه لجنودك و راحه من همومك و امنا لبلادك»؛ «از صلح و آشتی که رضا و خشنودی خدا در آن است و دشمنت تو را به آن بخواند سرپیچی مکن؛ زیرا در آشتی، راحت لشگریان و آسایش از اندوه هاست و برای مردمان شهرها امنیت است. [۴] اکنون پس از این بیان وافی بنگریم تا فرزانه توس و حکیم خراسان فردوسی بزرگ چه نکته هایی را درباب شان و منزلت سپاهیان در سخن خود آورده است:

سپاهی و شهری همه یکسرند همه پادشاهی مرا لشگرند [۵]

با این دیدگاه از برابری همه در مقابل پادشاه سخن آمده است. اگر چنین شد که بحق و واقع نیز چنین است؛ دیگر لشگری و نظامی خود را از مردم جدا نمی کند و کوشش و تلاش او در واقع برای روشن ماندن چراغ خود اوست نه دیگران. [۶]

بباید در پادشاهی سپاه سپاهی در گنج دارد نگاه

اگر گنجت آباد داری به داد تو از گنج شاد و سپاه از تو شاد

سلیحت در آرایش خویش دارد سزد کت شب تیره آید به [۷]

از نیروی نظامی سلاح و لشکریان باید همچون گنجینه ای گرانبها و گران سنگ چنان مواظبت نمود تا آن زمان که مورد نیاز است بتوان از آن کاملاً بهره برد.

سپاهی نباید که با پیشه ور به یک روی جویند هر دو هنر

یکی کار ورز و یکی گرزدارد سزاوار هر کس پدید است کار

چون این کار آن جوید آن کار این پر آشوب گردد سراسر زمین [۸]

همانگونه که پیش از این نیز آن اشاره شد در یک نگاه همه در برابر فرمانده یکسان هستند اما استعدادها و تواناییهای آدمیان گوناگون است و گروهی در این میان برای جنگیدن و سلاح برگرفتن انتخاب می شوند. پس باید آنان را در جایگاه خود گرامی داشت. ارزش و منزلت آنان را همانگونه شناخت و انتظار همان وظیفه را از آنان داشت تا نظم برقرار بماند و هرج و مرج پیش

در ابیاتی که پس از این می آید حکیم توس از زبان پادشاه بالاترین سخنی را که میب ایست در باب منزلت سپاهیان بر زبان آورد باز نمودخ است:

مبادا که از کاردارن من گز از لشکر و پیشکاران من

بخسبد کسی با دلی دردمند که از درد او برمن آیند گزند [۱۰]

منزلت سپاهیان و آنان ایجاب می نماید که پادشاه نباید آنها را غمدار ببیند و دراین حالت استراحت کند. از جمله وسایل آسایش و آرامش و داد و امنیت اجتماع این است که سپاهیان اگر فارغ بال و آسوده باشند، پادشاه میتواند آسوده بخوابد. این امر تعیین کننده منزلت است و شاخصی بزرگ و ارزشمند در پاسداشت شان نظامیان به شمار می رود.

چو دشمن بترسد شود چاپلوس تو لشگر بیاری و برند کوس

به جنگ انگهی شود که دشمن ز جنگ بپرهیزد و سست گردد به ننگ

وگر آشتی جوید و راستی نبینی به دلش اندرون کاستی

ازاو باز بستان و کینه مجوی چنین دار نزدیک او آبروی [۱۱]

جمع بندی

از مجموعه آنچه که حکیم فردوسی در ابیات مختلف شاهنامه درباب ارتش و نیروهای مسلح آورده است می توانیم نتیجی گرفته نماییم. الف) دادن جیره و مواجب سپاهیان در وقت خودش ؛ ب) در عین اهتمام ویژه برای نگهداری، آموزش، تجهیز و تقویت نیروهای نظام، در صلح و ؤشتی و استوار نگاه داشتن امنیت و پرهیز از جنگ تلاش وشد؛ ج) برابر بودن نظامیان و غیرنظامیان در برابر پادشاه؛ د) مراقبت و نگهداری از نیروی نظامی و مسلح مانند گنجینه ای ارزشمند؛ هـ) متناسب با ارزش و جایگاه هر کسی در جامعه باید به او اهمیت داد و از این نکته غافل نشد که نظامیان در این میان گروهی ویژه هستند. اگر در این زمینه تداخل پیش آید مسلما هرج و مرج به دنبال خواد داشت. و) منزلت نظامیان ایجاب می کند که پادشاه نباید آنان را غمدار ببیند و خود در آسودگی به سر ببرد.

پی نوشتها:

[۱] محمد دانشگر، «سپاهیان و نیروهای مسلح در آیین ادب پارسی»، فصلنامه بررسی های تاریخی و نظامی، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۷، ص ۳۶.

[۲] قدمعلی سرامی (۱۳۶۸)، «از برگ گل تا رنج خار(شکل شناسی قصه های شاهنامه)»، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۸۴۹

[۳] احمد رنجبر(۱۳۷۹)، «جاذبه های فکری فردوسی»، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ص ۲۵۲

[۴] نهج البلاغه ج ۵، ص ۱۰۱۸

[۵] شاهنامه ج ۲، ص ۷۴

[۶] محمد دانشگر، همان، ص ۴۰

[۷] شاهنامه ج ۷ ص ۲۵۵

[۸] شاهنامه ج ۱، ص ۷۶

[۹] محمد دانشگر، همان، ص ۴۱

[۱۰] شاهنامه ج ۸، ص ۶۷

[۱۱] شاهنامه، ج ۷، ص ۱۹۰

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۰۵۱/قدیم-ایران-نظامیان-جایگاه-نقش-های-شایسته-بایسته>